

«بررسی علل ایجاد جرم، تعدد و تکرار آن از دیدگاه صاحب نظران»

مجید حاذق، عاطفه حاذق

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی
کارشناس ارشد فقه و حقوق اسلامی

چکیده: هدف از این تحقیق تعیین میزان تأثیر خانواده، مدرسه، سایر نهادهای اجتماعی، سیاستهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر مردم، در بروز جرم و جنایت و تکرار آن در جامعه است. در این مقاله سعی شده تا برخی از مهمترین علل پدیدآورنده جرم و تکرار آن، که از جمله آنها محرومیت های اقتصادی، تبعیض و نابرابری، جنگ، تراکم جمعیت، خانواده، مدرسه، رسانه های گروهی، تلویزیون، روزنامه ها و ماهواره می باشند در پیدایش جرم و تکرار آن بررسی گردد. همچنین نقش مدرسه و خانواده از حیث فرهنگ و اعتقادات، گسسته بودن یا منسجم بودن، میزان تحصیلات والدین و شغل آنان، به همراه سیاستهای فرهنگی، اقتصادی دولتها و دیگر برنامه های حاکم بر جامعه، خصوصاً رعایت عدالت اجتماعی و اقتصادی در سطوح مختلف بررسی شده و نتیجه گیری گردیده، عواملی مذکور از متغیرهای تعیین کننده جرم خیزی در تمام کشورها بوده است. سرانجام با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی، سعی گردیده تا به تجزیه و تحلیل داده ها پرداخته شود؛ بر این اساس رابطه معناداری بین عوامل یاد شده و بروز جرم معین گردیده که در نوع خود قابل توجه خواهد بود.

واژگان کلیدی: جرم، جنایت، خانواده، مدرسه، نهادهای اجتماعی، محرومیت های اقتصادی، تبعیض و نابرابری، قوانین و سیاستهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر جامعه.

مقدمه

مسئله بزهکاری و انحراف بعضی از انسانها از دیر باز مورد توجه اندیشمندان و بزرگان جامعه بوده است. همزمان با گسترش انقلاب صنعتی و وسعت گرفتن دامنه نیازمندیها، بی عدالتی ها و محرومیت های ناشی از عدم امکان تامین خواسته ها و احتیاجات زندگی، موجب توسعه شدید و دامنه دار فساد، عصیان، تبهکاری، ولگردی، دزدی و... در اطفال، نوجوانان و برخی از اقشار جامعه بشری گردیده است. کودکان و نوجوانان سرمایه های جامعه هستند و سلامت روح و جسم آنها تضمین کننده سلامت جامعه آینده ما می باشد. مطالعات کشورهای غربی حاکی از آن است که در صورت عدم توجه به عدالت اجتماعی و نداشتن حداقل معیشت و رفاه برای عموم مردم، رفتار بزهکارانه در میان نوجوانان بسیار شایع خواهد بود.

دانشمندان با توجه بررسی ها انجام یافته، نتیجه گرفته اند که شیوع رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان بیشتر از آن است که مردم انتظار دارند. (1: s 35) همچنین تجربه نشان داده است، تنها تعدادی از نوجوانانی که دست به قانون شکنی می زنند دستگیر می شوند و از کسانی که دستگیر شده اند، تنها تعداد معدودی محاکمه و بازداشت میگردند. بنابراین بسیار دشوار خواهد بود که بفهمیم در هر جامعه چند نفر بزهکار وجود دارد؟. (2: s 62)

بزهکاران از نظر روانشناسان یک گروه افراد جوان و نوجوان و افراد بسیار ناهمگون و نامتجانس هستند؛ همچنین مسیری که به بزهکاری ختم می شود گوناگون است و نوجوانانی که با بزه درگیر هستند یا می شوند را نمی توان، به سادگی در الگوی رفتاری خاص یا ویژگیهای منحصر به فردی جا داد. بزهکاری پیامد و نتیجه تعامل و تاثیر متقابل عواملی است که در زندگی فرد حضور دارند. بنابر این بزهکاری رفتاری است ناشی از عوامل گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و..... (3: s 46)

ضرورت و اهمیت تحقیق در خصوص موضوع

خسارات جانی و مالی فراوانی که از پدیده ضداجتماعی جرم و ناهنجاری های اجتماعی به بار می آید دولت ها را وادار به مبارزه با این پدیده نموده است. درباره ضرورت مبارزه پدیده جرم، به هیچ وجه اختلافی بین دانشمندان و صاحب نظران نیست و چنانچه اختلافی باشد درباره شیوه های مبارزه است؛ اینکه آیا باید راه مبارزه را منحصر به مجازات نمود یا آنکه راه های دیگری هم در نظر گرفت. برای مبارزه اساسی با پدیده ضداجتماعی جرم باید ابتدا علل آن شناسایی و سپس به مبارزه با آنها پرداخت. قرن هاست که دولت ها راه مبارزه را محدود به برقراری مجازات و تشدید آن نموده اند. این سیاست کیفری نه تنها از میزان جرائم نکاسته، بلکه تعداد آنها روز به روز افزایش یافته است. البته همانگونه که در بیماری های جسمی، پیشگیری از درمان بهتر می باشد، در بیماری های روحی و روانی نیز مطلوب تر خواهد بود، پیش از آنکه فرد بزهکار دچار اختلال گردد، به فکر پیشگیری باشیم. در خصوص بزهکاری و جرم افراد بزهکار خصوصاً نوجوانان دو مسئله اهمیت دارد:

اول اینکه چه عواملی آنان را به سوی جرم سوق می دهد

دوم اینکه چگونه باید شخص مبتلا را درمان نمود تا به تدریج از میزان جرم او کاسته شود. مطالعات بسیاری توسط ویکس، دوئرا و رینک، روی مشاغل خانوادگی، وضعیت اقتصادی، تحصیلات والدین، وضعیت درس نوجوان در مدرسه و نیز طرز رفتار نوجوان و والدین در خانواده به عمل آمده است. همچنین انجام تست های هوش، شخصیت و تمایلات تا میزان ۴۵ درصد برای تشخیص شخصیت نوجوانان مجرم با موفقیت همراه بوده است.

اهداف پژوهش

اهداف پژوهش را می توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

- الف) بررسی رابطه میان میزان تأثیر جامعه و حکومتها در بروز جرائم و آسیبهای اجتماعی (بزهکاری).
- ب) بررسی میزان تأثیر عدم عدالت اجتماعی، اقتصادی و... در بروز جرم و بزهکاری افراد ..
- ج) بررسی تعیین میزان تأثیر خانواده در بروز آسیب های اجتماعی (بزهکاری) کودکان و نوجوانان و رابطه میان آنها؛
- د) تحقیق و بررسی تعیین میزان تأثیر مدرسه در بروز آسیب های اجتماعی (بزهکاری) کودکان و نوجوانان .
- ه) تعیین راهکارهای مناسب برای مقابله با آسیب پذیری اجتماعی کودکان ، نوجوانان و افراد بزه کار در تکرار جرم جامعه.

نظریه های اولیه جامعه شناسی

واژه «بی هنجاری» یا «آنومی» را برای اولین بار امیل دورکیم وارد حوزه جامعه شناسی کرد و به تدریج از مفاهیم اساسی آن به شمار آمد. این مفهوم در سه معنای جدا، ولی مربوط به هم به کار می رود:

۱. نوعی نابسامانی فردی که موجب سرگشتگی انسان و نبودن قانون و قواعد رفتاری برای او می شود.
۲. وضعیت اجتماعی که در آن، قواعد رفتار اجتماعی با یکدیگر در ستیز بوده، فرد برای سازش و پیروی از این قواعد دچار سرگشتگی می شود.
۳. وضعیت اجتماعی که در آن قواعد رفتار اجتماعی وجود ندارد.

بی هنجاری از نظر امیل دورکیم:

در تعبیر و تفسیرهایی که جامعه شناسان از آرای دورکیم در زمینه بزهکاری و انحرافات اجتماعی به دست داده اند، تفاوت های بسیاری به چشم می خورد. به نظر دورکیم، بزهکاری و انحراف یک واقعیت اجتماعی است، از این رو، بهنجار است و نه ناهنجار. این امر در هر وضعیت اجتماعی درست نیست. جنایت در واقع، تعیین کننده مرزهای وجدان اجتماعی و اخلاق جمعی است؛ بدین صورت، جنایت به وجدان جمعی بستگی دارد. با تحوّل وجدان اجتماعی مفهوم بزهکاری نیز دگرگون می شود. بدین گونه، بزهکاری به دگرگونی اجتماعی بستگی دارد و در مواردی دارای پیامدهای مناسب برای تحولات اجتماعی است. چه بسا که جنایتکاران امروز، نوآوران و رهبران فردا باشند.

بر اساسی مطلب مزبور، سه نوع انحراف و کج رفتاری را در آثار دورکیم می توان متمایز کرد:

۱. کج رفتاری زیستی و روانی که تنها نوع انحراف در یک اجتماع کامل و بی عیب است. به عبارتی، این نوع کج رفتاری و انحرافات را می توان به عنوان کردار فرد بیمار در جامعه سالم دانست.
۲. کج رفتاری انقلابی که برای تغییر وضع نابسامان اجتماعی به وجود می آید؛ نظیر رفتار سقراط که برای دگرگونی اخلاق مردم آتن بپاخاست و سرانجام جام شوکران را نوشید. بنابراین، کج رفتاری انقلابی، انحراف فرد سالم در جامعه بیمار است.
۳. کج رفتاری دو سوپه که حاکی از رفتار افرادی است که هم تربیت اجتماعی مناسب نیافته اند و هم در جامعه بیمار زندگی می کنند. این نوع کج رفتاری از خودپرستی یا از بی هنجاری ناشی می شود، که در اصطلاح آن را «کج رفتاری خودخواهانه» و «کج رفتاری بی هنجاری» می نامند.

مبانی نظریه قانونی جرم شناسی

اساس نظریه قانونی جرم شناسی بر این باور استوار است که «حقوق انسانی باید در برابر فساد و فشارهای اجتماعی موجود در جامعه حفظ شود». نظام حقوقی در قرن هجدهم بسیار عقل گریز بود؛ زیرا برخورد های قانونی با افراد کج رفتار بر اساس منطقی صورت نمی گرفت، بلکه اصولا مجازات ها امری وحشیانه، خشن و بر اساس نظر شخصی مسئولین بود. کج رفتاری و انحراف به روشنی تعریف نشده و از این رو، شمول گسترده ای پیدا می کرد. در همین دوره (بکاریا دانشمند جرم شناس قرن ۱۸م) کتابی را با عنوان رساله ای در جنایت ها و مجازات ها تحت تأثیر آراء و عقاید هابس و مونتسکیو نگاشت و اصول خویش را به شرح زیر تدوین کرد:

۱. نظر به اینکه افراد بشر همواره به دنبال منافع خود هستند، بنابراین، کج رفتاری و جرم ممکن است، وجود داشته باشد.
۲. در جامعه نوعی تعلق خاطر برای زیستن فردی و مالکیت های خصوصی وجود دارد.
۳. اعضای جامعه برای رسیدن به آرامش و اجتناب از ستیزه، دولت تشکیل داده و به قراردادهای اجتماعی تن در می دهند.
۴. مجازات و قوانینی که در جامعه وضع شده برای آن است تا حقوق احاد جامعه و دیگران محفوظ بماند.
۵. مجازات باید متناسب با نوع کج رفتاری و بزه افراد اعمال شود.
۶. قوانین باید به روشنی مشخص شوند، تا با آگاهی و علم به آنها، افراد بتوانند از حقوق خود دفاع و از تضییع شدن آن جلوگیری نمایند.

۷. افراد پاسخ گوی کردار خویشند و جملگی در برابر قوانین منزلتی یکسان دارند.
بنابراین مطالب بالا، نظریه قانونی جرم شناسی، نظریه ای یک سویه بوده که بر اساس کنترل و نظارت اجتماعی بنا شده است؛ بدین معنا که بیشتر به نظارت و بازبینی خارجی توجه دارد تا به انگیزه درونی.

نظریه و دیدگاه زیستی کج رفتاری

نیروی درونی افراد کج رفتار بسیار نیرومند است و این امر به نوبه خود به دلیل ویژگی های زیستی آنها می باشد که غالباً ارثی هستند. بنابراین، طرفداران این نظریه می کوشند تا نوع انسان بزهکار را از طریق خصوصیات تشریحی اندام وی مشخص کنند. برای این منظور، آنان از ابزارهای اندازه گیری اندام انسان و دوربین عکاسی بهره می گیرند.

«سزار لمبروزو» پایه گذار نظریه زیستی جرم شناسی، به بازماندن ویژگی های زیستی انسان های وحشی اولیه در وجود جنایتکاران عقیده داشت؛ بدین گونه که او معتقد بود جنایتکاران از هنگام زاده شدن ویژگی های انسانی بزهکار را داشته اند.

«آیزنک» نخستین انگیزه انسان را لذت جویی و دردگریزی می داند. از این رو، اراده آزاد انسان و عقلمندی او را به عنوان عامل تعیین کننده رفتار آدمی نمی پذیرد و متناسب کردن مجازات با بزهکاری را نیز در کاهش جنایت و جرم بی تأثیر می داند؛ زیرا در بیشتر موارد لذت جویی به گذشت زمان نیاز ندارد و آنی است، در حالی که مجازات در آینده در انتظار فرد است و به خاطر این شکاف زمان میان کج رفتاری - (که لذت جویانه است) - و مجازات - (که رنج آور است) - کج رفتاری تکرار می شود و مجازات نمی تواند مانع کج رفتاری افراد بزه کار گردد. علاوه بر این، امکان پنهان ساختن بسیاری از کج رفتاری ها و گریز از مجازات در آینده وجود دارد.

• عوامل موثر در بروز جرم و تکرار آن

(۱) تاثیر عوامل زیستی

تاثیر زیست شناختی وراثت و انتقال خصوصیات جسمانی، عقلانی، هوش والدین و اجداد انسانها از دیر زمان موضوع مطالعه روانشناسان و علمای اخلاق بوده است و این موضوع تحت عنوان وراثت عقلی و اخلاقی مورد بررسی واقع گردیده است. در بین دانشمندان نظریه پرداز علوم زیستی و وراثت از جمله «لمبرزو» که یکی از پیشگامان این نظریه است. طی آزمایشات متعدد و مطالعات طولانی خود راجع به ۳۸۳ جمجمه جنایتکاران ایتالیایی و ۵۹۰۷ بزهکار زنده، نتیجه گیری کرده، که برخی اختلالات بیولوژیکی، علت بزه کاری این افراد می باشد؛ وی بر اساس آزمایشات انجام یافته در این خصوص، فرضیه (جانی) را ارائه داده است. بررسی هایی که به منظور تأیید نظریه «لمبرزو» ارائه شد مربوط به دوقلوهای یک تخمکی بود. طبق بررسی های متعدد مشخص گردید که دوقلوهای یک تخمکی دارای شباهت های رفتاری بسیاری می باشند یعنی در حدود (۶۷/۳٪)، در حالی که در دوقلوهای دوتخمکی این میزان شباهت بسیار کمتر بوده است. (4:s 85) (۳۲/۱۷٪)

(۲) تاثیر عوامل روانی

رفائل گاروفالو (۱۹۷۸) از معتقدان مربوط به تاثیر عوامل روانی در ارتکاب بزه است. تخصص وی بررسی و شناخت عوامل روانی مربوط به دانش روانشناسی جنایی است. از جمله رسالتهای این دانش «روانشناسی جنایی» بررسی منش و شخصیت بزهکار و ارزیابی گرایش های ضد اجتماعی و مطالعه روان خود آگاه و ناخود آگاه آنان، به منظور تعیین مسوولیت اخلاقی و اجتماعی ایشان است. در یکی از مطالعاتی که دانشمندان دانمارکی انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که ۷۵ درصد مجرمین ۱۸ تا ۲۵ سال دارای بیماری روانی بوده اند. همچنین آنان دریافتند که ۷۹ درصد مجرمین به بیماریها و اختلالات روانی از قبیل نوروز، سایکوز و روان پریش مبتلا هستند. طبق دیدگاه روانکاوی (فروید) خانواده و والدین کودک نقش بسیار بزرگی در ساختن شخصیت معتدل و استوار انسان دارند. زیرا چنانچه سیر طبیعی رشد کودک تا پنج سالگی تکمیل نگردد و در طی یکی از مراحل رشد شخصیتی، توقف حاصل شود، این امر سبب بروز اختلال ها و عکس العمل های ضد اجتماعی در رفتار آدمی خواهد شد. بر طبق دیدگاه روانشناسان در تحلیل شخصیت بزهکار، تمایلات و انگیزه های ناخود آگاه جایگاه مهمی دارند. از نظر این دانشمندان مجازات افرادی که به علل اختلالات روانی مرتکب بزه می شوند، نه تنها مثمر ثمر نیست، بلکه آنان را به سوی جرایمی تازه تر نیز سوق خواهد داد. (5:s 75)

(۳) نقش عوامل اجتماعی در جرم

برخی از دانشمندان جرم شناسی، عوامل محیطی و اجتماعی را منشاء پدید آمدن جرم تلقی کرده اند. به نظر این دانشمندان جرم پدیده ای نیست که عوامل و شرایط جسمانی و روحانی افراد در آن تاثیر داشته باشد؛ بلکه عاملی که سبب بروز جنایت می گردد جامعه و محیط است. (6:s 76)

دکتر لاکاسانی (۱۹۲۴-۱۸۴۳م) رئیس مکتب محیط اجتماعی، تنها عوامل محیطی و فرهنگی را موجب جرم معرفی کرده است. به نظر این دانشمند همانطور که هر میکروب در شرایط و محیط خاصی اجازه رشد و نمو و تکثیر می یابد، پدیده جرم نیز به مثابه میکروب در محیط و فرهنگ مربوط به خود زاییده شده و رشد می یابد. از نظر دکتر لاکاسانی منشاء پدیده جرم تنها عوامل زیستی - روانی است. در همین رابطه، مارکی «از نظریه پردازان مکتب سوسیالیسم» نیز پدیده جرم را ناشی از وضعیت نابهنجار اقتصادی می دانست. مکتب سوسیالیست که زائیده تفکر او بود، جامعه اشتراکی را به عنوان جامعه ایده آل معرفی می کرد و از دیدگاه آنان جرم زاییده نظام

سرمایه داری بوده است. اما بنابر نظرات محققان جرم شناسی، در بروز پدیده جرم، عوامل پیچیده ای از جمله «عوامل زیستی، روانی، اجتماعی، اقتصادی و.....» دخالت دارند. (86: s7)

۴) پیشرفت صنایع و افزایش کشورهای صنعتی

برخی روان شناسان و جامعه شناسان، مسئله ازدیاد جرم در سال های اخیر را نتیجه پیشرفت صنایع، افزایش کشورهای صنعتی، ایجاد کارخانه ها، ازدیاد سر و صدا، گسترش شهرها و تجمع جمعیت دانسته اند به عقیده آنان، بشر امروزی آن آرامش و آسایشی را که پیشینیان داشته اند، از دست داده و به نوعی «اضطراب روحی» یا «تشویش باطنی» دچار گردیده است. از این رو، با کمترین بهانه ای، رشته عقل و منطق و صبر و تحمل را از دست داده و به ارتکاب جرم و جنایت دست می زند.

۵) ضعف اعتقادات مذهبی و ایمان به مبدأ و معاد

بعضی از صاحب نظران نیز افزایش جرم را در جوامع کنونی ناشی از کم رنگ شدن «اعتقادات مذهبی و ایمان به مبدأ و معاد» دانسته و چنین استدلال می کنند که بر اثر فرو ریختن اعتقادات و ضعف اخلاقیات در نزد پاره ای از مردم جوامع شهری، وجدان، که پلیس باطنی هر فرد می باشد، دچار ضعف گشته و نمی تواند وظایف اساسی خود را که پاسداری از نیکی ها و پیشگیری از بدی هاست به نحو کامل و شایسته ای به انجام رساند. نتیجه این اهمال و قصور وجدان، ارتکاب اعمال ممنوعه مذهبی و قانون از ناحیه این گروه است.

۶) تکامل وسائل ارتباط جمعی، بویژه ماهواره و ویدئو

گروهی دیگر از اندیشمندان معاصر، گسترش روزافزون جرم و اعمال ضد اجتماعی، بخصوص در قشر نوجوان را ناشی از تکامل وسایل ارتباط جمعی به ویژه استقرار ماهواره و ویدئو می دانند. این گروه معتقدند: چون حس تقلید نوجوان قوی است، لذا با مشاهده فیلم های گوناگون (غالباً سکس و جنایت) به تقلید از قهرمانان این گونه فیلم ها، که نوعاً از شخصیت های ضداجتماعی بوده و به وسیله قانونگذاران منع شده اند، دست می زنند. این گروه برای اثبات نظر خود به مقایسه جوامع شهری و روستایی پرداخته اند: در بررسی آنان جوامع شهری به دلیل نفوذ و گسترش بیش از اندازه سینما، تلویزیون و ماهواره، بزهکاری در آنها رواج بیشتری دارد، ولی در جوامع روستایی هنوز این پدیده اغواگر قرن، گسترش چندانی نیافته است.

۷) عدم وجود عدالت اجتماعی، اقتصادی و..... در سطح جامعه

بالاخره عده ای دیگر از دانشمندان معاصر که عقاید آنان را می توان در سطح جوامع بشری به عینه مشاهده نمود، بر این اعتقادند که عدم وجود عدالت در ابعاد مختلف آن، از آنجایی که باعث ایجاد انواع محرمیتها، فقر و ظلم می گردد، همچنین در چنین جوامعی از آنجائیکه امید به رشد و پیشرفت اجتماعی و شخصیتی از راه صحیح و معقول آن ممکن نمی باشد. لذا همین امر باعث دلسردی و ناامیدی افراد نسبت به آینده و پیشرفتهای اجتماعی و شخصیتی آنان گردیده، بر همین اساس جوانان و نوجوانان به جای گرایش به رشد علمی، فنی و شخصیتی، دست به انجام انواع جرم و بزه زده و از طریق آنها می خواهند به ارضای تمایلات فردی و اجتماعی برسند؛ در چنین حالتی، افراد خاطی، از تکرار جرم هیچ عیبی نخواهند داشت. از جمله این جوامع می توان به انقلابات واقع شده در فرانسه، شوروی سابق، ایران قبل از انقلاب اسلامی، مصر، لیبی و..... اشاره نمود.

۸) ناهنجاری خانوادگی

یکی از مسلمات دانش بشری آن است که، از جمله عوامل اساسی در شکل گیری شخصیت و منش فردی و اجتماعی افراد، خانواده است. از دیدگاه کودکان، والدین مهمترین و ارزنده ترین الگوهای جهان هستند. (52: s8)

کودک در محیطی که زاییده می شود و نشو و نما پیدا می کند، به موازات فراگیری زبان، ارتباط با محیط، اعضای خانواده و جامعه، آداب و رسوم و خلیات خانواده خود را کسب کرده و آنها را جزئی از شخصیت و منش خود می سازد. رفتار خشونت آمیز والدین در خانواده با کودک و یا با همدیگر، این عقیده نادرست را در ذهن کودک بارور می سازد که در اجتماع نیز خشونت و جدال حلال مشکلات است. به نظر جرم شناسان، خانواده از جمله محیط های اجتناب ناپذیر یا حتمی و نخستین مجرمان و دیگر انسانهاست. خانواده از آن رو محیط حتمی تلقی شده که کودک در انتخاب آن نقشی ندارد. رفتارهای آتی کودک تا حدود زیادی ناشی از برخوردهای ناسالم پدر و مادر نسبت به یکدیگر و کودک در سالهای اولیه زندگی است. (9:53)

از مهمترین ارزشهایی که لازم است کودک در محیط خانواده فرا گیرد عشق و محبت است. والدین باید با رفتار عطفوت آمیز و انسانی خود با کودک و یکدیگر، وی را از عشق، محبت، ایثار و گذشت سرشار نموده و او را در گسترش و اشاعه این ارزشهای والای انسانی در جامعه یاری دهند. (10:23-25)

برخی از ویژگیهای خانواده های بزه پرور

خانواده هایی که بزه پرور هستند دارای چندین ویژگی می باشند:

- ۱- فضای حاکم بر خانواده فضای نامطلوبی می باشد؛ البته از نظر تبعیض، افراط و تفریط، خشونت و...
- ۲- خانواده از هم پاشیده می باشد (طلاق یا مرگ یکی از والدین).
- ۳- مراقبت کافی از فرزندان به عمل نمی آید (به علت جهل یا عمد).
- ۴- در میان اعضای خانواده معمولاً بزهکاری و میگساری رایج است.
- ۵- خانواده از نظر نژادی، اعتقادات و گرایشهای مذهبی دارای تفاوت و گونه گونی زیاد می باشد.
- ۶- در خانواده مشکلات مالی، بیکاری و... بیداد می کند.
- ۷- اعتقادات مذهبی در میان خانواده وجود ندارد و یا بسیار کم رنگ است.
- ۸- اعتیاد و عاملیت فروش مواد مخدر یکی از اعضای خانواده و یا هردو پدر و مادر
- ۹- محرومیت اقتصادی و فقر

مطالعه اجمالی در تاریخ انسانها نشان می دهد که آدمی در هر شرایط و موقعیتی به منظور بقای موجودیت خود، در تلاش برای کسب امکانات مادی بوده است. از این رو مسئله تامین معاش در معنای عام کلمه از مهمترین مسائل زندگی محسوب شده و می شود. فقر و محرومیت، زاییده روابط ناسالم و غیر عادلانه نظام اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه است. مطالعه متون اسلامی نشانگر تاکید تاثیر فقر و محرومیت در نابهنجاری های روانی و انحرافات و تبهکاری برخی انسانها در جامعه است. علی (ع) فقر را موت اکبر و دیوار کفر معرفی کرده است. بنابراین فقر و محرومیت می تواند عاملی مؤثر در ایجاد و افزایش جرائم، موجب نابسامانیها و خصوصاً جرائم علیه اموال عمومی و مردم گردد. زیرا رسالت دین عبارت است از اصلاح و کنترل غرایز و احساسات آدمی به جهت ایجاد عدالت و گسترش محبت و روابط سالم در میان بشر. (11:95)

۱۰) تبعیض و نابرابری در اعمال قانون

از نظر جرم شناسان یکی دیگر از عوامل ایجاد جرائم اجتماعی، نابرابری افراد جامعه در اعمال قانون است. اگرچه قانون اساسی همه افراد را در مقابل قانون متساوی الحقوق معرفی کرده است، اما جامعه در عمل شاهد و ناظر عملیات و جرایم سنگین برخی افراد ذی نفوذ می باشد و بعضاً دیده می شود این افراد متخلف و ذی نفوذ بدون آنکه مورد تعقیب قرار بگیرند، به اعمال خلاف قانون خود ادامه می دهند. بعضی از

شخصیت های حقیقی و حقوقی با استفاده از موقعیت ها و نیرنگ ها، بسیاری از منابع و ثروتهای جامعه را برای خود اختصاص داده و مرتکب سوء استفاده مالی و انواع تعدی در حقوق اشخاص می گردند. این افراد به نحوی از زیر بار قوانین، خصوصاً قوانین مالیاتی شانه خالی می کنند و مرتکب تقلب در دفاتر مالیاتی و نفوذ در افراد مجری قانون و متصدیان امر قضاوت و پیگیری جرائم می شوند. در جرم شناسی به این مجرمان «جنایتکاران یقه سفید» می گویند. مردم با ملاحظه این گونه افراد و سکوت دستگاه قضایی در مورد آنان اعتقاد و اطمینان خود را نسبت به عدالت و قانون از دست می دهند. آنان تصور می کنند قانون پناهگاه افراد متنفذ و هرزه ای است که با ظاهری آراسته ارزش های اخلاقی و قانونی را زیر پا می گذارند. در جامعه ای که این نوع بی اعتمادی در بین مردم شایع و رایج گردد، بمرور مردم قاضی درونی (وجدان) و اعتقادات الهی خود را نادیده انگاشته و به، اعمال ضد اجتماعی و جرایم روی خواهند آورد؛ بطوریکه جرائم به مرور در چنین جامعه ای عادی قلمداد خواهد شد. (12s:78)

۱۱) تاثیر جنگ و درگیری های داخلی در افزایش جرائم

بحران جنگ از جمله عوامل اجتماعی در ایجاد جرائم است، که جرم شناسان و جامعه شناسان در باره تاثیر آن برای ایجاد و گسترش جرائم متفق القول بوده و برای توجیه این نظریه دلایلی را ذکر کرده اند که عبارتند از:

۱- وجود موقعیتهای نامناسب اقتصادی - اجتماعی از قبیل جیره بندی مواد غذایی، تعیین آمرانه قیمتها، بازار سیاه برخی کالاهای ضروری، این موارد جرایم را افزایش داده. لطمات و صدمات این عوامل و بی نظمی های حاصل از آنها در جوامع، مقاومت افراد را در مقابل وسوسه های نفسانی کاهش داده و سبب بروز جرائمی مانند احتکار، سرقت و..... می گردند.

۲- پراکندگی خانواده ها و اعضای آنها در اثر وقوع پدیده جنگ.

۳- هنگامی که کشور تحت محاصره دشمن قرار می گیرد، تعدادی از نیروهای داخلی قصد همکاری با نیروهای اشغالگر را پیدا می کنند و از این طریق همکاری با اشغالگر جزئی از جرائم افراد محسوب می گردد. با همه این اوصاف نمیتوان گفت که، پدیده جنگ خودبخود پدیده ای شر و منفور است بلکه در بسیاری از اوقات جنگ سبب تقویت روحیه آزادیخواهی، گذشت، ایثار و..... نیز می گردد. (13s:105)

۴- حرج و مرج و بی نظمی هایی که در اثر بمباران و برخی عملیات خرابکارانه و یا در گیری های داخلی مانند در گیری های قومی، قبیله ای، حزبی و..... بوجود می آید، باعث می گردد که برخی افراد در صدد تعرض به اموال عمومی و مردم، احتکار، گرانفروشی و انواع بزهکاری باشند.

۱۲) تاثیر جمعیت شهری و افزایش آن در وقوع جرم

بر اساس مطالعات انجام یافته، وقوع جرم در جمعیت شهری به مراتب بیشتر از روستاها است.

● از جمله دلایل تاثیر جمعیت شهری در افزایش جرم عبارتند از:

۱) افراد تبهکار خصوصاً حرفه ای ها، به لحاظ جمعیت شلوغ شهرهای بزرگ بهتر می توانند از نظارت و نظارت پلیس پنهان شوند.

۲) تجمل و ثروت در شهرهای بزرگ عامل مهم برای اغوای افراد و محرک جرم هستند. افراد ضعیف النفس، قدرت مقاومت در برابر امیال و وسوسه انگیز را نداشته و تحمل دیدن تجملات، راحت طلبی، خوش گذرانی و ثروت اندوزی برخی افراد جامعه را ندارند و از این رو دست به انجام انواع جرائم می زنند.

۳) در خانواده های روستایی به لحاظ کوچک بودن محیط زندگی، میزان نظارت فردی و اجتماعی بیشتر از شهرهای بزرگ است؛ بنابر این میزان جرائم نیز به مراتب کمتر از شهرهاست. (14s: 29)

۱۳) تأثیر خانواده های بد سرپرست و یا بی سرپرست در افزایش جرم:

در چنین خانواده هایی کودکان و نوجوانان احساس آرامش نمی کنند، خانواده هایی که نسبت به فرزندان یا فرزند خوانده هایشان خشونت فیزیکی و روانی اعمال می کنند، همچنین خانواده هایی که والدین یا یکی از آنها معتاد بوده و یا در معرض از هم پاشیدگی و طلاق قرار دارند، به همراه خانواده هایی که یکی از زوجین فوت کرده و یا با فرزندان زندگی نمی نمایند، معمولاً کودکان و نوجوانان در چنین خانواده هایی بیشتر در معرض ابتلاء به انواع جرم و بزه کاری می باشند. و تحقیقات انجام یافته، این مطلب را ثابت می نماید. برای اصلاح و تربیت صحیح کودکان و نوجوانان، در چنین مواردی باید «مراجع خاصی» برای اصلاح خانواده و یا نگهداری موثر از فرزندان آنها وجود داشته باشد که در صورت لزوم بتوان به آنها متوسل شد. همه اعضای جامعه باید از وجود نهادهای خاص حمایتی از کودکان نظیر کمیسر کودکان، پلیس کودکان و سازمانهای غیر دولتی که در زمینه حمایت از کودکان و نوجوانان فعالیت می کنند آگاه باشند تا بتوانند به راحتی با آن نهادها ارتباط برقرار کرده و وضعیت خطرناک خود را عنوان کنند؛ در هر صورت انجام این امر، ایجاد یک سیستم اطلاع رسانی دقیق در این خصوص را ضروری می سازد. تا در مواقع لزوم بتوان از انحرافات کودکان و نوجوانان موجود در چنین خانواده هایی مطلع و اقدامات لازم و ضروری را انجام داد... (15:s79)

۱۴) مشکل بیکاری و آثار آن در افزایش جرم:

مشکلات مربوط به مقوله بیکاری بر همه صاحب نظران و کارشناسان پوشیده نبوده و نیست. بطوریکه میتوان بیکاری و فقر را یکی از عوامل مهم در بروز و تکرار جرائم عنوان نمود. در تحقیقات و مصاحبه های صورت یافته، تعداد زیادی از بزهکاران، از وجود این مساله رنج برده و بیکاری و نداشتن درآمد را عامل مهم در گرایش به بزهکاری و جرم معرفی نموده اند. خلاصه اینکه بی کاری به باور اکثر کارشناسان و متخصصان، خصوصاً بزرگان دین، زمینه مناسب برای بزه و تکرار آن بوده و می باشد.

روش پژوهش:

روش پژوهش به نوع علی - مقایسه ای انجام یافته است.

جامعه آماری: عبارت بوده از کلیه بزهکاران نوجوانی که در سال ۱۳۸۸-۱۳۸۹ در کانون اصلاح و تربیت تهران به سر می بردند و از سابقه مدرسه ای نیز برخوردار بودند.

نمونه آماری: انتخاب و پژوهش در مورد تعداد ۹۰ بزهکار نوجوان پسر که در کانون اصلاح و تربیت تهران به سر می برده اند.

ابزار تحقیق: پرسشنامه ای که توسط محقق تهیه شده و آن در برگیرنده ویژگی های فردی، اجتماعی، تحصیلی و شغلی مددجویان بوده است.

داده های پژوهش: استفاده از آمار توصیفی (فراوانی، درصد) جداول و آمار استنباطی (مجذور خی X^2)

جدول (۱) سن مددجویان

درصد فراوانی دامنه سنی: الف) ۱۴-۱۸ ب) ۱۲-۱۶ ج) ۱۵-۱۷ د) ۱۸-۲۲

با توجه به نتایج جدول، بیشترین دامنه سنی مجرمین مربوط به سنین ۱۵-۱۷ سال است که دانش آموزان در این سنین در دوره دبیرستان بسر برده و در یک حالت انتقالی به سر می برند.

جدول شماره (۲) وضعیت شغلی بزهکاران

فراوانی درصد وضعیت شغلی

دانش آموز به تعداد ۲۵۲۹ نفر

بی کار به تعداد ۴۵۴۹ نفر

شاغل به تعداد ۲۰۲۲ نفر

با توجه به نتایج جدول بالا، بیشترین مشکلات و جرائم مربوط به افراد بی کاری است که بیشترین بزهکاران از وجود این مسئله رنج می برده اند و این خود زمینه مناسب برای بزهکاری آنان بوده است.

جدول شماره (۳) نوع اتهام بزهکاران

فراوانی نوع اتهام سرقت ۵۰ مورد ضرب و جرح ۲۰ مورد فروش و نگهداری فیلم مبتذل ۵ مورد

مواد مخدر ۱۰ مورد قتل ۵ مورد رابطه نامشروع ۵ مورد

با توجه به نتایج جدول بالا، نرخ سرقت نسبت به سایر اتهامات بیش از بقیه موارد بوده است و نشان دهنده این موضوع است که فقر اقتصادی و عدم وجود عدالت اقتصادی یکی از مهمترین عوامل ایجاد جرم در بین افراد جامعه به خصوص جوانان و نوجوانان می باشد..

جدول شماره (۴) دفعات تکرار جرم و ورود به کانون اصلاح و تربیت

فراوانی دفعات تکرار جرم و ورود به کانون اصلاح و تربیت

اولین بار ۴۰ نفر دومین بار ۳۵ نفر سومین بار ۱۰ نفر چهارمین بار ۵ نفر

با توجه به نتایج جدول بالا، نیمی از بزهکاران سابقه ورود به کانون اصلاح و تربیت را دارا بوده اند. یعنی مجازاتها و اعمال پیشگیرانه در خصوص اصلاح آنها و جلوگیری از تکرار جرمشان مؤثر واقع نشده است.

جدول شماره (۵) سابقه محکومیت اعضاء دیگر در خانواده

فراوانی سابقه محکومیت در دیگر اعضاء خانواده

دیگر اعضای خانواده سابقه محکومیت دارند ۲۵ نفر

دیگر اعضای خانواده سابقه محکومیت ندارند ۶۵ نفر

با توجه به جدول، تقریباً یک سوم بزهکاران در خانواده ای به سر می برنده اند که سابقه محکومیت در خانواده آنان وجود داشته است ولیکن نابسامانی از جمله طلاق، مرگ یکی از والدین و... در خانواده آنان مشهود بوده است.

جدول شماره (۶) سابقه اعتیاد به مواد مخدر

فراوانی اعتیاد به مواد مخدر

مجرمینی که اعتیاد داشته و یا دارند ۲۵ نفر ندارند ۶۵ نفر

با توجه به نتایج جدول بالا، تقریباً یک سوم بزهکاران از سابقه اعتیاد به مواد مخدر برخوردار می باشند.

جدول شماره (۷) آزمون مجذور X^2 برای بررسی رابطه بین شکست تحصیلی و آسیب اجتماعی

شکست تحصیلی و یا آسیب اجتماعی دارد ۵۶۲۴/۷۵۵ شکست تحصیلی و یا آسیب اجتماعی ندارد ۱۰۱۸/۱۵۵
با توجه به یافته های تحقیق بر اساس (مجذور X^2 = ۵۱/۹۷) محاسبه شده می توان عنوان نمود که بین دو متغیر شکست تحصیلی و آسیب های اجتماعی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد.

جدول شماره (۸) آزمون مجذور X^2 برای بررسی رابطه بین فرار از منزل و مدرسه و آسیب اجتماعی

متغیر فرار از منزل و مدرسه فراوانی مشاهده فراوانی مورد انتظار باقیمانده دارد ۶۰۵۰۱ ندارد ۲۵۴۷۱
با توجه به یافته های تحقیق (مجذور X^2 = ۳۷/۳۵) محاسبه شده می توان قضاوت نمود که بین فرار از منزل و مدرسه و بروز بزهکاری رابطه معناداری وجود دارد.

تذکره: به دلیل خلاصه بودن مقاله از ارائه و نمایش جداول بالا معذوریم

پی نوشت ها و منابع:

- ۱- سعیده باباخانی پور، بزهکاری و راه های برخورد با آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶، به نقل از: آدینه عبقری، پیشگیری از جرایم کودکان، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا یکی از فارغ التحصیلان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
۲. school research, Smith man, Adata about withdraw all of school bullet in of ۱۹۹۵.
۳. delinguct jarnil, Young, A paper about prevention factor for ۱۹۹۸.
- ۴ و ۱۱- آدینه عبقری، پیشین.
- ۵ و ۱۲ و ۱۵- هوشنگ شامیاتی، بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸، ص ۷۵-۷۹.
- ۸ و ۹- غلامعباس توسلی، نظریه های جامعه شناسی، تهران، سمت، ۱۳۶۹، ص ۵۲-۵۴.
- ۱۰ و ۱۴- جاوید صلاحی، بزهکاری اطفال، تهران، سمت، ۱۳۷۶، ص ۲۳-۳۲.
- ۱۳- رزیتا دارویی، بزهکاری کودکان و نوجوانان و شیوه های پیشگیری از آن، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.